

پیشگیری ثانویه از جرم و انحراف در آموزه‌های قرآن

قدرت الله خسروشاهی*

طرح مسئله: در الگوی سه مرحله‌ای پیشگیری از جرم و کجروی، مرحله دوم پیشگیری، متوجه افرادی است که در آستانه بزهکاری قرار دارند و احتمال درگیر شدن آنها در رفتارهای انحرافی بیش از سایر افراد می‌باشد. شناخت این گروهها و انجام اقدامات بازدارنده نسبت به آنان، هدف پیشگیری ثانویه است. آموزه‌های دینی نیز، این گروهها را مورد توجه قرار داده و راهکارهایی به منظور کنترل رفتار آنان ارائه نموده است. هدف این پژوهش، معرفی گروه‌های در معرض بزهکاری از دیدگاه اسلام و بررسی راهکارهای ارائه شده به منظور بازداشتن آنان از انحراف و کجروی می‌باشد.

روش: این پژوهش با روش تفسیر محتوای متون دینی با استفاده از فنون تفسیر و براساس نظریه‌های جرم شناختی، جامعه شناختی و روان شناختی و نیز مدلهای ارائه شده در جرم شناسی پیشگیرانه، انجام گرفته است. متن دینی مورد استفاده در این پژوهش به طور خاص، قرآن کریم بوده است.

یافته‌ها: الف) اسلام توجه ویژه‌ای به گروههای در معرض بزهکاری و انحراف مانند: نیازمندان، ایتام، زنان بی سرپرست، جوانان و نوجوانان، مصیبت دیده‌گان و ثروتمندان، داشته است و از راههای مختلف آنها را مورد حمایت مستقیم و غیرمستقیم قرار داده است.

ب) حمایت از این اقشار به سه بخش حمایت شناختی و معرفتی، حمایت عاطفی و معنوی و حمایت مادی تقسیم می‌شود که مجموع آنها می‌تواند گروه‌های در معرض انحراف را از نظر فکری، عاطفی و مادی تقویت نموده و توانایی آنها را در سازگاری با شرایط سخت و بحرانی افزایش دهد.

نتایج: بررسی آموزه‌های دینی نشان می‌دهد که حمایت‌های فکری و شناختی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و چنانچه این گروهها، شناخت صحیحی نسبت به زندگی و اهداف آن داشته باشند و بتوانند حوادث زندگی را درست تفسیر کنند، به راحتی می‌توانند خود را با موقعیت‌های سخت، سازگار نموده و این موقعیت‌ها را به فرصت‌هایی برای رشد و تعالی خود تبدیل نمایند. حمایت‌های عاطفی و مالی نیز علاوه بر اینکه در مواردی ضروری و مقدم بر حمایت‌های شناختی می‌باشند، می‌توانند زمینه تأثیر این حمایت‌ها را نیز فراهم نمایند.

کلید واژه‌ها: پیشگیری ثانویه، حمایت شناختی، حمایت عاطفی، حمایت مادی،

سیاست‌های حمایتی.

تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۸۶/۵/۲۱

مقدمه

یکی از جامع‌ترین الگوهای پیشگیری از جرم در جرم‌شناسی پیشگیرانه که از علوم پزشکی الگو برداری شده است پیشگیری سه مرحله‌ای می‌باشد در این روش که می‌تواند کلیه روشهای پیشگیری را در خود جای دهد، اقدامات پیشگیرانه متناسب با سطح پیشرفت یک مشکل طراحی و اجراء می‌شود. با توجه به اینکه مراحل تکوین و پدید آمدن هر امر نامطلوب اعم از فردی و اجتماعی، جسمی و روحی - روانی، سه مرحله می‌باشد و اقدامات پیشگیرانه در هر یک از این مراحل متناسب با همان مرحله اعمال می‌شود، این الگو به الگوی سه مرحله‌ای پیشگیری معروف می‌باشد (Steven P. Lab, 1992, p.11) در این الگو، پیشگیری ثانویه به سمت افراد، گروه‌ها و وضعیت‌هایی معطوف است که احتمال وقوع جرم و کجروی درمورد آنها بیشتر از دیگران است و عدم مداخله مؤثر و بازدارنده، می‌تواند منجر به بروز رفتارهای هنجار شکنانه و درگیر شدن در رفتارهای مجرمانه بشود. بدیهی است برنامه‌ریزی برای پیشگیری از وقوع جرم در مواردی که احتمال وقوع آن بیشتر است ضروری‌تر و مهم‌تر می‌باشد، چه اینکه در این موارد آستانه بزهکاری به شدت پایین آمده است و خطر به صورت جدی و از نزدیک جامعه را تهدید می‌کند. تشخیص چنین وضعیت‌هایی به صورت بالینی و دقیق اگر چه مورد تأمل و تردید می‌باشد اما نگاه اجتماعی و واقع‌بینانه به وضعیت‌های ناهنجار اجتماعی و آگاهی از عوامل انحراف و کجروی و نیز شناخت ویژگی‌ها و نیازهای جسمی، روحی و روانی انسان‌ها می‌تواند به تشخیص این وضعیت‌ها کمک نماید و امکان برنامه‌ریزی برای مقابله با آنها را فراهم کند. اسلام با واقع‌بینی نسبت به مسائل اجتماعی، عوامل انحراف و کجروی و نیز خصوصیات و ویژگی‌های انسان شناختی انسان، ضمن معرفی گروه‌هایی که در معرض بزهکاری هستند و نیز وضعیت‌های جرم‌خیز، راهکارهای عملی و تئوریک خاصی را برای کاهش احتمال انحراف و کج رفتاری در این موارد ارائه نموده است که در این مقاله به تبیین آنها می‌پردازیم.

۱) گروه‌های در معرض خطر

۱-۱) فقراء و مساکین

فقیر و مسکین اگر چه از نظر میزان محرومیت از امکانات زندگی با یکدیگر تفاوت دارند و مسکین را محروم‌تر و نیازمندتر از فقیر دانسته‌اند به گونه‌ای که از شدت محرومیت به درخواست نمودن از دیگران روی می‌آورد (العاملی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۱۴۴)، اما صرف نظر از این تفاوت، فقراء و مساکین کسانی هستند که از حداقل امکانات برای یک زندگی متعارف، محروم هستند و علی‌رغم تلاش و کوشش نمی‌توانند به این حداقل دست یابند. (مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر، فقرزدایی، ج ۱، ص ۸۴) پدید آمدن چنین گروه‌هایی در جامعه می‌تواند ناشی از عوامل متعدد فردی، اجتماعی، مادی و معنوی باشد. تدبیر نادرست امور زندگی و سوء مدیریت دخل و خرج، توزیع غیرعادلانه فرصت و ثروت در جامعه، روی گرداندن از حق، مهم‌ترین عوامل پدید آمدن گروه‌های نیازمند و فقیر در جامعه می‌باشند. معیار وجود چنین گروه‌هایی که در ادبیات اقتصادی به گروه‌های آسیب‌پذیر و زیر خط فقر معروف هستند از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است و به شرایط اقتصادی و اجتماعی یک جامعه بستگی دارد، به گونه‌ای که ممکن است شخصی که در یک جامعه با درآمد خاص، فقیر محسوب می‌شود با همین درآمد در جامعه دیگر فقیر نباشد و بتواند نیازهای اولیه خود را تامین نماید. بنابراین فقر و محرومیت اموری نسبی هستند و معیار تشخیص آن از جامعه‌ای به جامعه دیگر تفاوت دارد. فقر و محرومیت از یک طرف وضعیتی ناهنجار از نظر اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شود که معلول عوامل خاص خود می‌باشد و از طرف دیگر موجب بروز ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری می‌شود و انسان‌هایی که از نظر کنترل درونی ضعیف هستند را در آستانه ارتکاب جرم و کجروی قرار می‌دهد به همین دلیل، فقر در آموزه‌های دینی امری نامطلوب معرفی شده است که نه تنها از نظر رفتاری برانسان تاثیر می‌گذارد بلکه از نظر اعتقادی نیز می‌تواند انسان را تا مرز کفر پیش ببرد. پیامبر اکرم در این زمینه می‌فرماید: لولا رحمة ربی علی فقراء امتی کاد الفقر ان یکون کفراً (مجلسی، ۱۳۹۷ هـ.ق، ج ۷۲، ص ۳۰).

تیین رابطه فقر و محرومیت با بزهکاری همواره مورد توجه جرم شناسان و آسیب شناسان اجتماعی بوده است اگر چه تحقیقات در این زمینه نتایج روشنی را نشان نمی‌دهد و از اثبات فقر به عنوان یک عامل اصلی بزهکاری ناتوان می‌باشد. ما این واقعیت که فقر و محرومیت، زمینه برخی رفتارهای ناهنجار اجتماعی را فراهم می‌کند و در کنار سایر شرایط و زمینه‌های فردی و اجتماعی می‌تواند موجب انحراف و کجروی شود، مورد قبول جرم شناسان می‌باشد و به همین دلیل همواره رفع فقر و محرومیت یکی از راه‌های کاهش جرم معرفی شده است. دولت‌ها نیز همواره یکی از اهداف توسعه همه جانبه را توزیع عادلانه ثروت و رفع فقر و محرومیت می‌دانند و در این راستا برنامه‌هایی را به مورد اجراء می‌گذارند.

اسلام به عنوان یک برنامه جامع زندگی که علاوه بر ابعاد فردی، ابعاد اجتماعی زندگی انسان را نیز مورد توجه قرار داده است، فقر را به عنوان یک مشکل اجتماعی معرفی نموده و آثار زیانبار آن را مورد توجه قرار داده است. از دیدگاه قرآن، فقر و تنگدستی آن چنان بر رفتار و عواطف انسانی تأثیر می‌گذارد که ممکن است انسان را به کشتن فرزند که بیشترین عواطف انسانی را به خود جلب می‌کند، مجبور نماید و قرآن در یک مورد، انسانها را از کشتن فرزندان خود به علت فقر و تنگدستی نهی می‌کند و می‌گوید: فرزندان خود را به علت فقر و تنگدستی نکشید زیرا ما به شما و فرزندانان روزی می‌دهیم (انعام/۱۵۱) و در یک مورد نیز انسانها را از کشتن فرزندان خود از ترس فقر و تنگدستی باز می‌دارد و اعلام می‌کند: فرزندان خود را از ترس فقر و تنگدستی نکشید زیرا، به آنها و شما روزی می‌دهیم. از این دو آیه استفاده می‌شود که: فقر و تهیدستی حتی در قوی ترین عواطف انسانی تأثیر گذار است و موجب فرزند کشی می‌شود مگر اینکه انسان به وعده‌های الهی ایمان داشته باشد و رزق خود را به دست خداوند بداند (قرآنی، ۱۳۸۲، ج ۷، ۵۲).

۲-۱) ایتم

از دست دادن یکی از والدین یا هر دوی آنها، تأثیرهای نامطلوب شدیدی بر زندگی فردی و اجتماعی انسان بر جای می‌گذارد که در سال‌های اولیه زندگی بیشتر خواهد بود.

فرزندانی که والدین یا یکی از آنها را به ویژه تا قبل از رسیدن به سن رشد و بلوغ، از دست می‌دهند دچار اختلالات شدید روحی، روانی، اقتصادی و اجتماعی می‌شوند و نوعاً از داشتن یک زندگی متعادل محروم می‌مانند و آینده آنها به شدت به خطر می‌افتد. به اعتقاد جرم‌شناسان، یتیمی به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر زندگی ایتم تأثیر می‌گذارد. آثار مستقیم این پدیده، افسردگی و پریشان حالی و اختلالات عاطفی است که برای این افراد پدید می‌آید و آنان را دچار یأس، ناامیدی، احساس بی‌پناهی و انزوا طلبی می‌نماید. آثار غیرمستقیم این پدیده ناشی از شرایط جدیدی است که این افراد ناچار به پذیرفتن آن می‌باشند. این زندگی جدید یا زندگی در دارالایتم است و یا زندگی با ناپدری یا نامادری و یا هر دو که در هر صورت آثار زیانبخشی را برای آنان به دنبال خواهد داشت برخی از این آثار عبارتند از: اختلال در رشد فکری، ذهنی و شکل‌گیری شخصیت متعادل، بروز بیماری‌های روانی و ارتکاب جرم (کی‌نیا، ۱۳۷۰، جلد دوم، ۷۳۱) تحقیقی که توسط موسسه مرکزی مشاهده مل^۱، در مورد ۲۸۵۵ کودک که فاقد اخلاق صحیح بوده، به بی‌نظمی خو گرفته بودند، انجام شده است نشان می‌دهد که فقط ۳۶۴ نفر متعلق به محیط‌های خانوادگی بوده‌اند که سازمان صحیح داشتند، ۵۰۹ نفر فاقد پدر بودند، ۶۱۲ نفر مادر نداشتند، ۴۰۶ نفر از پدر و مادر محروم بودند... (کی‌نیار، ۱۳۷۰، جلد دوم، ۷۳۳). نتیجه تحقیقات این موسسه نشان می‌دهد که ۶۴/۸ درصد کودکان تبهکار متعلق به خانواده‌های از هم پاشیده است و یکی از مهم‌ترین عوامل از هم پاشیدگی خانواده از دست دادن والدین یا یکی از آنهاست. با توجه به تأثیر نامطلوب یتیمی بر ایتم و بی‌سرپرستان و احتمال درگیر شدن آنها در رفتارهای ناهنجار اجتماعی، این افراد جزء افراد آسیب‌پذیر جامعه محسوب می‌شوند و در هر نظام اجتماعی تمهیداتی برای حمایت از آنان در نظر گرفته می‌شود تا این آثار نامطلوب کاهش یابد. نظام اجتماعی اسلام نیز با توجه ویژه به این قشر، راهکارهایی را برای حمایت همه جانبه از این افراد ارائه نموده است که توجه به آنها، آسیب‌پذیری این قشر را کاهش می‌دهد.

1- Etablissement Central d'observation de moll

۳-۱) کودکان، جوانان و نوجوانان

از دیدگاه جرم شناسان و آسیب شناسان اجتماعی یکی از گروه‌های در معرض خطر و آسیب پذیر، کودکان، جوانان و نوجوانان می‌باشند. علت اصلی این آسیب پذیری، شرایط خاصی است که این افراد از نظر تربیتی و تأثیرپذیری از دیگران، در آن قرار دارند به گونه‌ای که به اعتقاد روان شناسان و متخصصین علوم تربیتی، حساس‌ترین مقطع سنی به لحاظ شکل‌گیری شخصیت، مقطعی سنی است که این افراد در آن قرار دارند. این افراد گرچه در مقاطع سنی متفاوتی قرار دارند که تا ۲۵ سالگی ادامه می‌یابد، اما ویژگی مشترک آنان در این است که شخصیت آنان در حال تکوین است و ارتباط آنان با دیگران بیشترین تأثیر را بر چگونگی شکل‌گیری شخصیت آنان دارد. علاوه بر اینکه به اعتقاد جرم شناسان، فردی که برای نخستین بار محکومیت می‌یابد هر قدر جوان‌تر باشد به همان نسبت بیشتر امکان دارد که یک دوره طولانی مرتکب جرم گردد و متحمل محکومیت‌های دیگر شود و به عبارت دیگر، احتمال تثبیت بزهکاری در او بیشتر است و به همان نسبت فاصله زمانی بین نخستین بزه او با بزه‌های بعدی کوتاه‌تر خواهد بود (کی‌نیا، ۱۳۷۰، ج ۲، ۱۸۲ به نقل از ساترلند). ارتباط نزدیک، گسترده و عاطفی این افراد با اعضای خانواده و تأثیرپذیری خاصی که نسبت به آنان دارند اهمیت خاص خانواده را در تربیت فرزندان به ویژه در این شرایط سنی، آشکار می‌سازد. به همین دلیل توجه به نقش خانواده و تأثیر آن بر فرزندان، همواره یکی از موضوعات مهم در جرم‌شناسی بوده است (کی‌نیا، ۱۳۷۰، جلد دوم، ص ۷۶۶-۵۹۷).

در جرم‌شناسی پیشگیری، یکی از مهم‌ترین روش‌های پیشگیری، پیشگیری زودرس یا پیش از موعد است که به شناخت کودکان، نوجوانان و جوانان در معرض خطر و اقدام مناسب برای دور کردن آنان از وضعیت خطرناک مربوط می‌شود. با توجه به اهمیت این مقاطع سنی از نظر جرم‌شناسی و آسیب‌شناسی اجتماعی، معمولاً در سیاست جنایی، کشورها برنامه‌های خاصی برای پرورش هرچه صحیح‌تر این افراد، شکوفائی استعدادها و آنان، جامعه پذیر نمودن آنان، پرکردن اوقات فراغت آنان، ایجاد فرصت‌های آموزشی و

شغلی و حتی آموزش خانواده‌ها در مورد چگونگی ایجاد ارتباط با فرزندان، پیش بینی و اجراء می‌شود. اسلام با توجه خاص، نسبت به کودکان، نوجوانان و جوانان و نقش منحصر به فرد خانواده در تربیت، دستورالعمل‌های متنوعی را برای پرورش و تربیت صحیح آنان ارائه کرده است که از مرحله انتخاب همسر و تشکیل خانواده و دوران بارداری آغاز می‌شود و به دوران شیرخوارگی، کودکی، نوجوانی و جوانی گسترش می‌یابد. از طرف دیگر اسلام دستورالعمل‌هایی را برای تقویت رابطه متقابل فرزندان با خانواده ارائه می‌کند و فرزندان را نیز در برابر پدر و مادر مسئول می‌داند و اطاعت از آنان را واجب می‌شمارد و از این طریق تأثیرگذاری والدین بر فرزندان و تأثیرپذیری فرزندان از والدین را تقویت و تکمیل می‌نماید.

۴-۱) ثروتمندان

برخورداری از مال و ثروت، اگر چه می‌تواند عامل پیشرفت، تعالی روحی و خدمتگزاری به دیگران باشد و به همین دلیل، در فرهنگ قرآن از آن به عنوان نعمت و فضل الهی (آل عمران / ۱۸۰، نساء / ۳۲ و ۳۳، لقمان / ۲۰) و عامل قیام و برپائی زندگی یاد شده است (نساء / ۵) اما در عین حال می‌تواند عامل سقوط، انحطاط و سرکشی انسان نیز باشد و زمینه بسیاری از انحرافات را برای او فراهم کند. قرآن کریم با صراحت، استغناء را عامل طغیان و سرکشی دانسته (علق / ۷) و برخورداری از نعمت‌های الهی را زمینه اعراض از حق و غرور و تکبر معرفی نموده است (اسراء / ۸۳). بنابراین ثروتمندان را نیز می‌توان در معرض خطر انحراف و انحطاط اخلاقی و رفتاری دانست که باید مورد حمایت قرار گیرند تا بتوانند از ثروت خود در راه پیشرفت و رشد مادی و معنوی خود و دیگران استفاده نمایند. جرم شناسان در ابتدا، بزهکاری را در میان طبقات محروم مطالعه می‌کردند و از بزهکاری طبقات مرفه و قدرتمند جامعه غافل بودند تا اینکه در پرتو جرم شناسی مارکسیستی توجه جرم شناسان به بزهکاری سرمایه داران و طبقات مرفه و حاکم بر جامعه، جلب شد و موجب گردید تا جرائم این اقشار نیز تحت عنوان جرائم یقه سفیدها مورد

مطالعه قرار گیرد^۱. از دیدگاه جرم شناسان تاثیر دوگانه عامل ثروت اینگونه توجیه شده است: ثروت وسیله‌ای است که می‌تواند در راه خیر به کار افتد و امکانات مادی رشد و وسایل پرورش استعدادها را فراهم سازد اما اگر خانواده‌های ثروتمند و بی‌اعتناء، وسایل و پول سرشار و بی‌حساب برای ارضای تمایلات و خواسته‌های نفسانی فرزندان خود در اختیارشان بگذارند... چنین فرزندان‌ی نه ارزش پول را درک خواهند کرد و نه ذوق کار و کوشش در آنها شکوفا خواهد شد و چه بسا که سرانجام، افرادی بیکاره و غرق در تباهی گردند و از طغیان و شرارت و ارتکاب جنایت روگردان نشوند. به علاوه تأثیر مضاعف ثروت فراوان در خود ثروتمندان شایان توجه است... زیرا هنگامی که مال اندوزی هدف قرار گیرد دیگر نه تنها پسندیده نیست بلکه موجب سقوط ثروتمند از مقام والای آدمیت خواهد شد زیرا... او را دچار جنون ثروت می‌گرداند بدین سان که جز به ثروت به هیچ چیز نیندیشد و از چنین دیوانه‌ای بعید نیست که دست به هرکار جنائی چون سرقت، کلاهبرداری، جعل و تزویر و قاچاق و کاربری نادرست دیگر بیالاید. به همین جهت تنعم و ثروت بیش از فقر جرم‌زاست. این است سرکلام الهی: ان الانسان لیطغی ان راه استغنی (کی‌نیا، ۱۳۷۰، جلد دوم، ۷۴ و ۷۳). با توجه به تأثیرات سوء ثروت بر اخلاق و رفتار آدمی، در آموزه‌های دینی به منظور پیشگیری از چنین تأثیراتی، راهکارها و دستورالعمل‌هایی ارائه شده است که برخی جنبه معرفتی و شناختی و برخی نیز جنبه عملی و رفتاری دارد.

۱-۵) مصیبت دیدگان

زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها در معرض انواع و اقسام حوادث تلخ و ناگوار طبیعی یا انسان ساخته قرار دارد و هر از چند گاهی، طوفان حوادث زندگی انسان‌ها را درمی‌نوردد و آثار نامطلوب مالی، جانی، روانی و اجتماعی آن دامنگیر آنان می‌شود. این حوادث به دلیل تأثیرات سوئی که بر زندگی فردی و اجتماعی دارند با عنوان بحران،

۱- اصطلاح جرائم یقه سفیدها (white collar crime) اولین بار در سال ۱۹۴۰ توسط آقای ادوین ساترلند جرم شناس آمریکائی برای معرفی جرائم طبقات مرفه و صاحب منصب اجتماعی وضع گردید.

فاجعه، بلا و مصیبت موضوع مطالعات گسترده در علوم مختلف قرار گرفته‌اند. آثار و پیامدهای اجتماعی این حوادث توسط جامعه‌شناسان با عنوان جامعه‌شناسی فاجعه (شادی طلب، ۱۳۷۴) مورد مطالعه قرار گرفته است، آثار و پیامدهای روان‌شناختی این حوادث توسط روان‌شناسان با عناوین، پیامدهای روان‌شناختی فاجعه‌ها (بهمن نجاریان، ۱۳۷۹)، روان‌شناسی شاد زیستن، راه‌های غلبه بر ناراحتی‌ها و بحران‌های زندگی (جودی ناتل بام، ترجمه ژیلا نینوائی، ۱۳۷۵) و روان‌شناسی بحران، مورد مطالعه قرار گرفته است. آثار و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این حوادث نیز مورد توجه قرار گرفته است و ادبیات گسترده‌ای را به خود اختصاص داده است. اما از دیدگاه جرم‌شناختی، توجه چندانی به این حوادث نشده و تأثیر این حوادث بر انحرافات رفتاری و کجروی مورد مطالعه جدی قرار نگرفته است، در حالی که به نظر می‌رسد وضعیت‌های اجتماعی و روحی - روانی ناشی از فاجعه، بدون تردید رفتارهای فردی و اجتماعی انسان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث می‌شود که انسان‌ها با توجه به ویژگی‌های شخصیتی خود واکنش‌های متفاوتی نسبت به این حوادث از خود بروز دهند. فشارهای شدیدروحي - روانی، افسردگی، اضطراب، ترس و یأس و ناامیدی حاصل از حوادث نامطلوب و فشارزا موجب می‌شود که انسان‌های مصیبت دیده در معرض ناهنجاری‌های رفتاری قرار گیرند و به همین دلیل به نظر می‌رسد که این افراد نیز به عنوان گروه‌های در معرض خطر و آسیب پذیر از دیدگاه جرم‌شناختی قابل بررسی باشند، به این معنا که این افراد به شدت نیازمند حمایت‌های مادی، معنوی، عاطفی و اجتماعی پیشگیرانه هستند و چنانچه از این حمایت‌ها محروم بمانند احتمال انحراف و کجرفتاری آنان نسبت به سایر افراد به مراتب بیشتر خواهد بود. به اعتقاد روان‌شناسان در واکنش به فاجعه، رفتارهایی از افراد سرمی‌زند که ممکن است با رفتارهای عادی آنان در شرایط معمولی تفاوت بسیار داشته باشد علاوه بر این، پس از وقوع حادثه و تحت تأثیر آن نیز ممکن است رفتارهای ناهنجاری از حادثه دیدگان سربزند که کنترل و پیشگیری از آنها نیازمند اقدامات حمایتی و مراقبتی ویژه می‌باشد.

«مهم‌ترین واکنش‌های رفتاری ناهنجار پس از وقوع حادثه عبارتند از: افسردگی شدید و در نتیجه کناره‌گیری از محیط اجتماعی (در خود فرو رفتن)، پرخاشگری، خشم و خشونت در رفتار، مشکلات خانوادگی ناشی از برون‌ریزی تنش‌هایی که در اثر فاجعه به وجود آمده است، عدم همدلی، صمیمیت و ارتباط با دیگران، مصرف مواد مخدر و داروهای آرام‌بخش و روان‌گردان و نیز افزایش استعمال دخانیات و مشروبات الکلی، خودکشی ناشی از ناامیدی و بی‌علاقگی به زندگی و بالأخره رفتارهای خلاف قوانین اجتماعی نظیر هرج و مرج طلبی، غارت و دزدی و تجاوز به حقوق دیگران» (نجاریان، ۱۳۷۹، ۱۰۴-۱۰۱).

با توجه به احتمال وقوع چنین رفتارهایی به دنبال حوادث و مصائب طبیعی یا انسان‌ساخته، مصیبت دیدگان را باید انسان‌هایی در معرض آسیب‌های مضاعف دانست که به شدت نیازمند حمایت‌های همه‌جانبه و پیشگیرانه می‌باشند و این اقدامات می‌تواند آسیب‌های احتمالی را کاهش داده، کنترل نماید.

در منابع دینی و به ویژه قرآن به مصائبی که در زندگی انسان‌ها پدید می‌آید توجه خاصی شده است و با بیان انواع مصائب و منشأ آنها و تأثیرات مثبت و منفی آنها بر زندگی انسان، راهکارهای مقابله و رویارویی با چنین حوادثی مطرح گردیده است.

۲) حمایت از اقشار آسیب‌پذیر (رفتار حمایتی)

روان‌شناسان اجتماعی، رفتار حمایتی را رفتاری می‌دانند که به قصد کمک کردن به دیگران، صرفاً به خاطر نوع دوستی و نه به منظور رسیدن به منفعت خاصی انجام می‌شود. (اذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۲، ۳۳۳) آموزه‌های قرآنی در خصوص اهمیت رفتارهای حمایتی و تأثیر آنها بر بهبود شرایط اجتماعی و نیز رشد مادی و معنوی کسانی که چنین رفتارهایی را انجام می‌دهند از گستردگی قابل توجهی برخوردار است. در این قسمت از مقاله، به تبیین رفتارهای حمایتی مورد تأکید قرآن می‌پردازیم. به طور کلی انواع رفتارهای حمایتی مورد تأکید در قرآن را می‌توان به سه دسته حمایت‌های شناختی و معرفتی،

حمایت‌های معنوی و عاطفی و حمایت‌های مادی تقسیم نمود^۱. این حمایتها، شامل کلیه اقشار آسیب پذیر می‌شود هر چند هریک از این گروهها از حمایت‌های ویژه‌ای نیز برخوردارند که برای اجتناب از طولانی شدن بحث از پرداختن به آنها خودداری می‌شود.

۲-۱) حمایت‌های شناختی و معرفتی (آگاهی بخشی)

مقابله با هر پدیده و عکس العمل انسان در برابر آن قبل از هر چیز به نوع نگرش انسان به آن پدیده بستگی دارد. مقاومت و پایداری در برابر سختی‌ها و مشکلات زندگی و تبدیل کردن آنها به فرصت‌هایی برای پیشرفت و موفقیت در آینده یا احساس شکست و تسلیم شدن در برابر آنها و روی آوردن به راه‌های نادرست برای جبران ناکامی‌ها، واکنش‌های متفاوتی است که انسان‌ها براساس میزان شناخت و آگاهی خود از ماهیت سختی‌ها و مشکلات زندگی، از خود نشان می‌دهند، بنابراین اولین نیاز انسان‌های در معرض آسیب‌های اجتماعی، نیاز معرفتی و شناختی است^۲. آموزه‌های قرآنی در این زمینه را در چند عنوان کلی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲-۱-۱) آگاهی از حکیمانه و مدبرانه بودن حوادث ناگوار

یکی از مهمترین عوامل اضطراب و بی‌قراری در برابر حوادث ناگوار این است که انسان تصور کند این حوادث کاملاً اتفاقی و بی‌هیچ تدبیر و تقدیری واقع می‌شوند و انسان به صورت تصادفی در معرض آنها قرار گرفته است. این تصور انسان را در برابر این پرسش بی‌پاسخ قرار می‌دهد که چرا من در معرض چنین حادثه‌ای قرار گرفته‌ام؟ علاوه بر اینکه انسان همواره خود را در معرض چنین حوادثی می‌بیند و احساس آرامش و اطمینان خاطر را در زندگی از دست می‌دهد و ناامیدانه در انتظار حوادث ناخواسته و کاملاً تصادفی باقی می‌ماند. یکی از مهمترین کارکردهای روان‌شناختی دین، تصحیح این نگرش

۱- در روان‌شناسی اجتماعی این حمایت‌ها تحت عنوان راه‌های مقابله با تنیدگی مورد بحث قرار گرفته است.

۲- در روان‌شناسی از تصحیح نگرشهای منفی انسان نسبت به خود و حوادث پیرامونی به شناخت درمانی یاد می‌شود.

نادرست و منفی به حوادث زندگی است. از دیدگاه قرآن کریم هیچ حادثه‌ای بدون تدبیر و تقدیر الهی واقع نمی‌شود و اصولاً حادثه تصادفی در این عالم وجود ندارد. قرآن کریم در این زمینه آیات متعددی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. ما اصاب من مصیبه الا باذن الله. هیچ مصیبتی جز با اذن خداوند واقع نمی‌شود (تغابن/۱۱).

۲. قل لم یصیبا الا ما کتب الله لنا. ای پیامبر به مردم بگو که هرگز جز آنچه بر ما مقدر گردیده است برای ما واقع نمی‌شود (توبه/۵۱).

۳. ما اصاب من مصیبه فی الارض ولا فی انفسکم الا فی کتاب من قبل ان نبراهان ذالک علی الله سیر. هیچ حادثه ناگواری در زمین و در وجود شما واقع نمی‌شود مگر آنکه قبل از پدید آمدن، در کتابی (لوح محفوظ) مقرر گردیده است مسلماً این امر برخداوند آسان است. (حدید/۲۲).

در آیه اخیر فلسفه آگاهی یافتن از این حقیقت، عدم تأسف و ناراحتی به خاطر از دست دادن آنچه از دست رفته و عدم شادی و سرخوشی به خاطر آنچه به انسان داده شده، معرفی گردیده است^۱ و این نتیجه یعنی حفظ تعادل و خویشتن‌داری در برابر هر حادثه‌ای، یک اثر روان‌شناختی است که براساس یک بینش الهی نسبت به حوادث این عالم در انسان پدید می‌آید. اعتقاد به منشأ الهی حوادث این عالم و تقدیر و تدبیری حکیمانه در ورای آنها به انسان نیروی مقاومت و پایداری می‌دهد و انسان را در برابر آنها استوار می‌نماید.

بنابراین، نوع نگرش انسان به حوادث ناگوار در سازگاری با آنها بسیار مؤثر است. به عنوان نمونه، یکی از ناگوارترین حوادث زندگی از دست دادن عزیزان است که در روان‌شناسی از آن به داغدیدگی (bereavement) تعبیر می‌کنند. احساس یا حالتی انفعالی که با موقعیت داغدیدگی همراه است سوگ (grief) نامیده می‌شود. «واکنش سوگ، ممکن است

۱- لکیلا تاسوا علی ما فاتکم ولا تفرحوا بما اتاکم (حدید/۲۳)

برای شخص، هم از لحاظ جسمانی و هم از لحاظ روانی، فرساینده باشد. نه تنها روان شخص تحت تأثیر قرار می‌گیرد، بلکه تعادل زیستی او نیز از بین می‌رود. یکی از متداول‌ترین واکنش‌هایی که مرگ - قطع نظر از اینکه منتظره باشد یا غیره منتظره به دنبال دارد، ضربه روحی، بهت زدگی و بی‌اعتقادی است. شخص داغدار دچار مشکل تمرکز، احساس خشم، احساس گناه، زود رنجی، بی‌قراری، غم و غصه فوق‌العاده و بدخلقی شدید می‌شود» (اورابین دیماتو، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۷۲۰-۷۱۹).

با توجه به پیامدهای رفتاری و روان‌شناختی داغدیدگی که در مواردی می‌تواند زندگی افراد را به کلی مختل نماید و آنان را از هرگونه تلاش و فعالیت مفید بازدارد و گاهی موجب گرایش افراد به برخی انحرافات رفتاری نیز بشود، روان‌شناسان تلاش می‌کنند راهکارهای خاصی را برای پایان بخشیدن به فرایند سوگ و بهبود و انطباق داغدیده با شرایط جدید ارائه نمایند. از نظر آنان، شخص داغدیده بیشترین تلاش خود را صرف تغییر وضعیت ناخوشایند خواهد کرد ولی ممکن است هرگز بر احساس فقدان عزیزش کاملاً چیره نگردد (همان، ص ۷۲۲). تمامی پیامدهای نامطلوب داغدیدگی ناشی از نگرش خاصی است که انسان‌ها نسبت به پدیده مرگ دارند و آن را نابودی و از بین رفتن انسان برای همیشه می‌دانند. با تصحیح این نگرش و تفسیر درست مرگ، سازگاری و انطباق با آن به آسانی صورت می‌گیرد و انسان می‌تواند به راحتی فرایند داغدیدگی را پشت سر بگذارد. دین، در این زمینه بیشترین تأثیر را می‌تواند داشته باشد. از دیدگاه قرآن اولاً، مرگ پدیده‌ای همگانی است. **کل نفس ذائقه الموت**، هر انسانی مرگ را تجربه می‌کند [درک می‌کند] (آل عمران/۱۸۵). ثانیاً مرگ نیز مانند سایر حوادث عالم، تقدیری است الهی و نه حادثه‌ای تصادفی. اعتقاد به مقدر بودن مرگ، توانایی انسان را در تحمل سوگ ناشی از آن افزایش می‌دهد. در مورد سایر مصائب و سختی‌ها مانند فقر و تنگدستی، بیماری، یتیمی، پیری و غیره نیز نوع نگرش انسان در چگونگی برخورد با آنها بسیار تأثیرگذار است و تفاوت افراد در مواجهه با این مشکلات به میزان شناخت و آگاهی و نوع نگرش آنها باز می‌گردد.

۲-۱-۲) اعتقاد به خیربودن آنچه شر محسوب می‌شود

انسان‌ها معمولاً حوادث تلخ و ناگوار را شرّ می‌دانند و به همین دلیل در برابر آنها به فشارهای روانی و تیدگی دچار می‌شوند. یکی از راههای مقابله با حوادث ناگوار، شناخت این واقعیت است که این حوادث در عین حال که سختی‌هایی به دنبال دارد می‌تواند آثار مثبت و مفیدی نیز داشته باشد و منشأ بسیاری از فعالیت‌های مفید و پیشرفت‌های فردی و اجتماعی قرار گیرد. دین، از این واقعیت پرده برمی‌دارد و به صراحت اعلام می‌کند: **فَعَسَىٰ ان تَكْرهُوا شَيْئاً وَجَعَلَ اللهُ فِيهِ خَيْراً كَثِيراً، چه بسا از چیزی کراهت داشته باشید در حالی که خداوند در آن خیر فراوانی قرار داده است (نساء/۱۹) و عَسَىٰ ان تَكْرَهُوا شَيْئاً وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ، چه بسا امری را ناخوش دارید در حالیکه خیر شما در آن است (بقره/۲۱۶)**. این بینش موجب می‌شود انسان، حوادث ناگوار را دو بعدی ببیند. یک بعد ظاهری که تلخی و ناکامی است و موجب ناراحتی انسان می‌شود و یک بعد باطنی که خیر و سعادت انسان را تأمین می‌کند. چنین نگرشی انسان را در برابر مصائب و ناگواری‌ها توانمند می‌سازد و تحمل آنها را امکان‌پذیر می‌نماید.

۲-۱-۳) اعتقاد به امدادهای الهی در مقابله با مشکلات

احساس تنهایی و ناتوانی در برابر سختی‌ها و مشکلات زندگی آسیب‌پذیری انسان را به شدت افزایش می‌دهد و انسان را به یأس و ناامیدی نزدیک می‌کند. چنین احساسی ناشی از یک تفکر مادی نسبت به علل وقوع حوادث و راههای مقابله با آنها می‌باشد. انسانی که وقوع حوادث را صرفاً ناشی از عوامل مادی می‌داند و برای مقابله با این حوادث نیز جز عوامل مادی را نمی‌شناسد، و از طرفی این عوامل را بسیار زیاد و متنوع می‌بیند که همه آنها در اختیار او نیستند، به طور طبیعی امید چندانی برای رسیدن به خواسته‌های خود و یا تغییر دادن شرایط ناگواری که برای او پدید آمده است ندارد و خود را تنها، ضعیف و ناتوان می‌یابد و یأس و ناامیدی بر او غلبه می‌کند. در مقابل، انسانی که به خداوند و تأثیر عوامل غیرمادی در حوادث این عالم اعتقاد دارد و تمامی پدیده‌های این جهان را ناشی از

اراده و اذن خداوند می‌داند و علاوه بر عوامل مادی که تأثیر آنها نیز به اذن خداوند است، عوامل غیرمادی را نیز در تحولات این جهان مؤثر می‌داند، در کلیه امور بر خداوند توکل می‌کند و هیچ‌گاه دچار یأس و ناامیدی نمی‌شود و احساس ضعف و ناتوانی نمی‌کند، چه، اینکه خود را متصل به مرکز قدرت و تدبیر امور این عالم می‌داند و هیچ اتفاقی را خارج از قدرت و اراده خداوند نمی‌بیند، حتی اگر عوامل مادی و ظاهری آن فراهم نباشد (طلاق، ۳ و ۲).

چنین اعتقادی یک کارکرد دوگانه دارد از یک طرف موجب امیدواری به موفقیت و رسیدن به اهداف می‌گردد و این امیدواری را حتی در صورت فراهم نبودن اسباب مادی و ظاهری و حتی در صورت شکست ظاهری برای انسان حفظ می‌کند و از طرف دیگر در صورت موفقیت، از غرور و سرمستی انسان جلوگیری می‌نماید. بنابراین اعتقاد به عوامل و اسباب غیرمادی و تأثیر آنها در حوادث، سعی و کوشش انسان را برای حل مشکلات و رسیدن به تعادل و سازگاری، افزایش می‌دهد و انسان هیچ‌گاه خود را در تنگنای حوادث و مشکلات تنها، و ناامید نمی‌بیند و در نتیجه از عواقب نامطلوب حوادث زندگی و فرسودگی جسمانی و روانی درامان خواهد بود. نتیجه آنکه بیشترین و نیاز افراد آسیب پذیر، نیاز معرفتی و شناختی است و بهترین نوع حمایت نیز حمایت این افراد از نظر آگاهی بخشی و تصحیح نگاه و نگرش آنان به وضعیت و مشکلاتی است که برای آنها پدید آمده است.

۲-۲) حمایت‌های عاطفی (روان شناختی)

انسان‌ها اگرچه در شرایط عادی نیز دارای نیازهای عاطفی هستند و تأمین نشدن این نیازها می‌تواند موجب مشکلات روحی - روانی و اجتماعی برای آنان گردد اما این نیازها در مشکلات و سختی‌ها به شدت افزایش می‌یابد و آنان را در معرض آسیب‌های جدی قرار می‌دهد. بیشترین آسیب‌هایی که در شرایط سخت و ناگوار متوجه انسان می‌شود، آسیب‌های روحی و روانی است. افسردگی، یأس و ناامیدی، اضطراب، خشم و غضب و

احساس گناه، از جمله آسیب‌های روانی هستند که موجب فرسودگی جسمی و روحی انسان می‌شوند و حالتی را در انسان ایجاد می‌کند که از آن به تئیدگی (sterss) روانی یاد می‌شود. مقابله با این آسیب‌ها، نیازمند حمایت‌های عاطفی از کسانی است که در موقعیت‌های تنش‌زا قرار گرفته‌اند. محرومیت از این حمایت‌ها و ناتوانی از غلبه بر پیامدهای روحی - روانی چنین موقعیت‌هایی، می‌تواند موجب آسیب‌های مضاعف گردد و ناهنجاری‌های رفتاری را به دنبال داشته باشد.

۱-۲-۲) تکیه‌گاه‌سازی

از جمله آسیب‌های روحی - روانی که در سختی‌ها و ناملایمات زندگی پدید می‌آید، ترس، اضطراب و احساس تنهایی و بی‌پناهی است و به همین دلیل انسان‌ها در چنین شرایطی ناخودآگاه به دنبال پناهگاهی محکم و استوار می‌گردند تا در پناه آن احساس توانمندی و اقتدار نمایند. قرآن از این نیاز روحی و روانی این چنین سخن می‌گوید: «فَإِذَا رَكَبُوا فِي السَّمَاءِ دَعَا اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» هنگامی که برکشتی سوار می‌شوند خدای را خالصانه می‌خوانند (عنکبوت/۶۵) «وَإِذَا مَسَّكُمُ الضَّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مِنْتُمْ وَمِنْكُمْ إِحْسَابُكُمْ إِذِ الْغَمُّ يَغْشَى الْبَنَانَ فَأَجْزَأُ الْغَمُّ الْغَوَاةَ وَهُمْ ضَلُّوا وَمَنْ يُلْقِ السَّمْعَةَ فِى الْغَمِّ فَاصْبِرْ إِنَّ الْغَمَّ لَا يَمُوتُ إِلَّا بِالصَّبْرِ» هنگامی که در دریا گرفتار خطر می‌شوید جز او همه را از یاد خواهید برد (اسراء/ ۶۷). «وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضَرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا» و هنگامی که انسان گرفتار می‌شود پروردگار خود را می‌خواند و به او روی می‌آورد (زمر/۸).

«فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضَرٌّ دَعَا رَبَّهُ» و هنگامی که انسان را گرفتاری فرارسد ما را می‌خواند (زمر/۴۹). این آیات که مشابه آنها در قرآن بسیار است بر این واقعیت دلالت می‌کنند که انسان در هنگامه سختی‌ها و مشکلات به دنبال پناهگاهی محکم و استوار می‌گردد تا خود را به او متصل نماید و از قدرت و توانایی او بهره‌گیرد و مشکلات خود را برطرف نماید. یکی از مهمترین کارکردهای روحی - روانی دین، متصل کردن انسان به منبع و منشأ همه قدرت‌ها و توانمندی‌ها یعنی خالق هستی است تا انسان در پناه او بتواند در برابر سختی‌ها به آسانی بایستد و خود را تنها و بی‌پناه نبیند. قرآن کریم به صراحت اعلام می‌کند

که هیچ قدرتی جز خداوند نمی‌تواند انسان را از گرفتاری و رنج، رهایی بخشد. وان یمسک الله بضر فلا کاشف له الا هو، چنانچه خداوند شما را به سختی و رنجی مبتلا نماید هیچ کس جز او نمی‌تواند آن را برطرف نماید (انعام/۱۷، یونس، ۱۰۷).

أمن یحیب المضطر اذا دعاه و یكشف السوء [آیا آنچه شریک خداوند قرار می‌دهید بهتر است] یا کسی که دعای درماندگان را اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌نماید (نمل/۶۲). **قل ادعوا الذین زعمتم من دونه فلا یملکون کشف الضر عنکم ولا تحویلاً**، بگو کسانی را که غیر از خدا (معبود خود) می‌پندارید، بخوانید! آنها نمی‌توانند گرفتاری شما را برطرف نمایند یا آن را تغییر دهند (اسراء/۵۶). در نگرش قرآنی هیچ تکیه گاهی برای انسان‌ها در شرائط بحرانی وجود ندارد مگر اینکه به خداوند پناه ببرند و با تکیه بر قدرت و توانایی او برانجام هرکاری، (آل عمران/۱۸۹) در برابر مشکلات بایستند و بر احساس ضعف، خوف، اضطراب و بی‌پناهی خود غلبه نمایند. از دیدگاه قرآن، رهایی از این احساسات منفی و رسیدن به آرامش واقعی در برابر ناملازمات، جز با یاد خداوند امکان‌پذیر نیست **الا بذکر الله تطمئن القلوب**، همان قلب‌ها فقط با یاد خداوند آرام می‌گیرند (رعد/۲۸). تاثیر عاطفی یاد خدا، پیدایش آرامش زودرس در روان و جسم فرد است (زمر/۲۳). در مقابل کسانی که از یاد خداوند غافل هستند همواره با فشار و تنیدگی‌های مادی و معنوی روبه‌رو هستند **ومن اعرض عن ذکری فان له معیسه ضنکا**، هرکس از یاد خداوند روی بگرداند زندگی تنگ [همراه با تنیدگی و فشار] خواهد داشت (طه/۱۲۴).

۲-۲-۲ امیدبخشی

یکی از آثار روحی - روانی سختی‌ها و مشکلات زندگی، یأس و ناامیدی و در نتیجه عدم تلاش و کوشش برای تغییر وضعیت نامطلوب در صورت امکان تغییر آن. و اضطراب و نگرانی و حالت انفعال در برابر مشکلات در صورت عدم امکان ظاهری تغییر آن می‌باشد. قرآن کریم به صراحت به چنین حالتی اشاره می‌کند و می‌فرماید: **وَإِنْ تَصِبُّهُمْ**

سَيِّئَهُ بِمَا قَدِمْتَ أَيْدِيَهُمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ، و چون رنج و مصیبتی به خاطر اعمالی که انجام داده‌اند به آنان رسد، ناگهان مایوس می‌شوند (روم/۳۶). وان مسه الشر فیووس قنوط، و چون انسان را سروبدی فرا رسد مایوس و ناامید می‌گردد (فصلت/۴۹). واذنا مسه الشر کان یووسا، و هنگامی که (کمترین) بدی به انسان برسد (از همه چیز) مایوس می‌گردد (اسراء/۸۳). بنابراین یأس و ناامیدی از آثار طبیعی روبه‌رو شدن با سختی‌ها و ناملایمات زندگی است و نوع انسان‌ها در چنین شرائطی منفعلانه در برابر مشکلات زندگی تسلیم می‌شوند و از هر گونه اقدامی برای مقابله با آنها خودداری می‌کنند. یکی از کارکردهای دین در چنین وضعیت‌هایی، دمیدن روح امیدواری در انسان‌ها و جلوگیری از یأس و ناامیدی است. از دیدگاه قرآن امیدواری واقعی آن است که انسان به موجودی امید داشته باشد که اولاً قدرتی بی‌انتها داشته باشد و بتواند مشکلات انسان را علی‌رغم فراهم نبودن اسباب ظاهری برطرف نماید. ثانیاً علم به مشکلات انسان داشته باشد و ثالثاً نسبت به انسان مهربان و سخاوتمند باشد و بخواهد که مشکلات انسان را برطرف نماید. به همین دلیل قرآن انسان‌ها را از یأس و ناامیدی نسبت به رحمت خداوند نهی می‌کند و آن را نشانه گمراهی و کفر انسان معرفی می‌کند و می‌فرماید: لا تياسوا من روح الله انه لا یياس من روح الله الا القوم الکافرون، هرگز از رحمت خداوند، مایوس نشوید که جز کافران از رحمت او مایوس نمی‌شوند (یوسف/۸۷).

۲-۲-۳) وعده به پاداش الهی در برابر تحمل سختی‌ها (حمایت آخرت مدارانه)

یکی از عواملی که موجب می‌شود انسان در سختی‌ها تحمل و بردباری خود را از دست بدهد و به کارهای غیر متعارف روی آورد، این است که تصور می‌کند در برابر سختی‌ها هیچ پاداشی دریافت نمی‌کند و رنجی بیهوده و بی‌نتیجه را تحمل می‌نماید. در مقابل، چنانچه انسان بداند که در برابر سختی‌هایی که تحمل می‌کند پاداشی بزرگ دریافت می‌کند قطعاً تحمل سختی‌ها براو آسان خواهد شد. آموزه‌های قرآنی برای صبر و بردباری در برابر سختی‌ها، پاداش‌های بزرگ را وعده داده است و این نوعی حمایت معنوی از

کسانی است که به سختی‌ها گرفتار شده‌اند و راهی برای بیرون رفت از آنها پیدا نمی‌کنند و یا این که اصولاً امکان بیرون رفت از آنها وجود ندارد. مانند از دست دادن عزیزان و ابتلاء به بیماری‌های لاعلاج. **ولنجزین الذین صبروا اجرهم باحسن ماكانوا يعملون**. ما حتماً به کسانی که صبر پیشه کنند پاداشی بهتر از آنچه عمل می‌کنند خواهیم داد (نحل/۹۶). **انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب**، به درستی که صابران پاداش خود را بی حساب دریافت خواهند نمود. (زمر/۱۰)

انی جزیتهم الیوم بما صبروا انهم هم الفائزون، امروز (روز قیامت) پاداش کسانی که صبر پیشه کرده‌اند این است که آنان رستگار خواهند بود.

۲-۳) حمایت‌های مادی

این نوع حمایتها، برخلاف دو نوع حمایت پیشین، صرفاً متوجه گروههایی است که از نظر اقتصادی و مالی در شرایط سخت و غیرقابل تحمل قرار گرفته‌اند. این گروهها علاوه بر اینکه نیازمند حمایت‌های شناختی و حمایت‌های عاطفی و معنوی می‌باشند باید از نظر مادی نیز مورد حمایت قرار گیرند تا بتوانند از شرایط سخت عبور کنند و از آسیب‌های روحی - روانی و نیز انحرافات رفتاری در امان بمانند. آموزه‌های دینی در خصوص این نوع حمایت‌ها، از گستردگی خاصی برخوردار است و شامل کلیه سیاست‌های فقرزدائی اعم از سیاست‌های الزامی و غیرالزامی، فردی و اجتماعی، دولتی و غیر دولتی که در نظام اجتماعی دین طراحی شده است، می‌شود. آنچه در مورد این سیاستها قابل توجه است اینکه این سیاستها متناسب با علل و عواملی که موجب پدید آمدن فقر شده‌اند متفاوت و متنوع می‌باشند. مثلاً در مواردی که فقر، خود خواسته و ناشی از تنبلی و بی‌توجهی به کار و یا سوءتدبیر و اسراف و تبذیر باشد، طبعاً سیاست‌های فقرزدائی متوجه خود افرادی است که این شرایط را برای خود پدید آورده‌اند. تشویق به کار و تلاش اقتصادی و عبادت تلقی کردن آن، مذمت داشتن یک زندگی انگلی و وابسته به دیگران، توصیه به میانه‌روی و اعتدال و تقدیر معیشت، نهی از زیاده‌روی و اسراف، دوری از گناه که از عوامل معنوی فقر

دانسته شده است، همه در راستای از بین بردن فقر و محرومیتهای خودساخته است. از طرف دیگر چنانچه فقر و محرومیت، ناشی از توزیع ناعادلانه ثروت و فرصت، افزون طلبی قدرتمندان، فساد مالی صاحبان قدرت، عمل نکردن اغنیاء و ثروتمندان به وظایف خود و امثال این موارد باشد طبعاً سیاستها نیز متناسب با این عوامل خواهد بود. در اینجا به اختصار به سیاستهای کلی اسلام در خصوص حمایت مادی و اقتصادی از نیازمندان و رفع فقر و محرومیت اشاره می‌کنیم.

۱-۳-۲) سیاستهای حمایتی فردی

همانگونه که اشاره شد بخشی از عوامل فقر، عوامل فردی هستند و انسانها با عملکرد نادرست خود آن را پدید می‌آورند که از آن به فقر خودخواسته تعبیر می‌شود، اولین گام در مبارزه با فقر و حمایت از نیازمندان، از بین بردن این عوامل است. با وجود این عوامل، حتی از بین بردن عوامل اجتماعی فقر، موجب از بین رفتن آن نخواهد شد. این سیاستها که به صورت تکالیف فردی تشریح شده است عبارتند از:

۱-۳-۱-۱) کسب علم و دانش

یکی از مهمترین عوامل فقر و محرومیت، چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی، جهل و نادانی است. به همین دلیل در آموزه‌های دینی، شدیدترین نوع فقر، جهل و نادانی است (حرانی، بی‌تا، ج ۷ ص ۲۱۹) و آموختن علم یار و کمک نیازمندان شناخته شده است (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸ هـ.ق، ج ۲۰، ص ۳۱۰). علمی که می‌تواند انسان را از فقر و محرومیت نجات دهد علمی کاربردی در زمینه‌های مختلف صنعت، تجارت، کشاورزی و مانند آن است که به تولید کالا یا خدمات منتهی می‌گردد.

۲-۳-۱-۲) قناعت و صرفه جویی

در آموزه‌های دینی، قناعت و صرفه جویی، گنجی پایان ناپذیر دانسته شده است. الْقَنَاعَةُ كَنْزٌ لَا يَنْفَدُ (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، حکمت ۴۷۵، ص ۷۴۰) و انسان قانع غنی‌ترین مردم

معرفی شده است (مجلسی، ۱۳۹۷، هـ ق، ج ۷۷، ص ۴۵). در مقابل زیاده روی، اسراف و تبذیر موجب فقر و محرومیت بی‌پایان انسان معرفی شده است (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸ هـ ق، ج ۲۰، ص ۲۸۸). بنابراین انسان حتی اگر غنی و بی‌نیاز باشد در اثر اسراف و زیاده‌روی به فقر و محرومیت مبتلا می‌گردد. **من بذر افقره الله**، (مجلسی، ۱۳۷۹ هـ ق، ج ۱۰۳، ص ۲۱) و انسان فقیر، با قناعت احساس بی‌نیازی می‌کند و بر فقر خویش غلبه می‌کند. این ویژگی چندان با اهمیت است که حتی در امور خیر و حسنات نیز باید رعایت شود. قرآن کریم در مورد ویژگی انفاق کنندگان می‌گوید: **والذین اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواما**، کسانی که چون انفاق کنند نه اسراف کنند و نه بخل ورزند بلکه میانه‌رو و معتدل باشند (فرقان/۶۷).

۳-۱-۳-۲) امانت‌داری و اجتناب از خیانت

درستکاری و امانت‌داری، اعتماد متقابل را در جامعه ریشه‌دار می‌سازد و از ارزش اقتصادی نیز برخوردار است. انسان امانت‌دار در جامعه جایگاه رفیعی دارد و مورد اعتماد دیگران قرار می‌گیرد. در مقابل خیانت و فساد مالی و اختلاس، نابسامانی اقتصادی و فقر و تهی دستی را در پی دارد. به همین دلیل آموزه‌های دینی، امانت را موجب برخورداری از رزق و روزی، و خیانت را موجب فقر و تنگدستی می‌دانند. (حرانی، بی‌تا، ص ۴۱).

۴-۱-۳-۲) پرهیز از گناه

همانگونه که گفته شد یکی از عوامل معنوی فقر، گناه و معصیت خداوند است. **ان الذنب یحرم العبد الرزق** (کلینی، ۱۴۶۵، ج ۳، ص ۳۷۲). بنابراین دوری از گناه می‌تواند موجب برخورداری از نعمت‌های الهی بشود و فقر و محرومیت را از بین ببرد. در قرآن کریم نیز تقوی و پرهیزکاری موجب برخورداری از برکات آسمان و زمین دانسته شده است (اعراف/۹۶).

۵-۱-۳-۲) کار و تلاش

یکی از مهمترین عوامل فقر و محرومیت و عقب ماندگی اقتصادی، شانه خالی کردن از کار و فعالیت اقتصادی است. انسانهایی که حاضر نیستند سختی‌های کارکردن را بپذیرند و یا به دنبال کارهای راحت و پردرآمد هستند معمولاً در فقر و محرومیت زندگی می‌کنند، آموزه‌های دینی کار و فعالیت اقتصادی به منظور تامین معاش و بی‌نیازی از دیگران را عبادتی بزرگ و همانند جهاد در راه خداوند می‌داند و تلاشگران میدان اقتصاد و کسب درآمد حلال را مجاهدان فی سبیل الله معرفی می‌کند (مجلسی، ۱۳۹۷ هـ.ق، ج ۱۰۳، ۳-۱). توصیه به کار و تلاش مفید و مولد، به منظور تأمین نیازهای خود و خدمت به دیگران، مصداق روشن عمل صالح می‌باشد که در سرتاسر قرآن کریم مورد تاکید قرار گرفته است.

۶-۱-۳-۲) حسن تدبیر و برنامه‌ریزی در زندگی

یکی از عوامل فقر، مدیریت ناکارآمد منابع مالی و عدم تعادل درآمدها و هزینه‌هاست. این عامل هم در زندگی فردی و هم در زندگی اجتماعی، می‌تواند موجب هدر رفتن منابع و عدم پاسخگویی به موقع به نیازهای اساسی بشود و در نتیجه فقر و محرومیت را به دنبال داشته باشد. چه بسیار انسانهایی که با حداقل درآمد ولی با تدبیر و برنامه‌ریزی، زندگی خود را به خوبی اداره می‌کنند و انسانهایی که به رغم درآمد مناسب، به دلیل عدم تدبیر صحیح زندگی، همواره فقیر و نیازمند هستند. آموزه‌های دینی، دقیقاً به این واقعیت توجه داده‌اند و تدبیر و برنامه‌ریزی در اداره زندگی را نیمی از درآمد زندگی معرفی کرده‌اند (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۲، ص ۶۱۶). برنامه‌ریزی و تدبیر درست را موجب افزایش مال اندک و تدبیر نادرست را موجب از بین رفتن مال زیاد دانسته‌اند. (همان، ج ۱، ص ۳۷۷) میانه روی را موجب بی‌نیازی همیشگی دانسته که فقر و پریشانی را جبران خواهد نمود. (همان).

این سیاستها عموماً جنبه فردی دارد و برای جلوگیری و یا از بین بردن فقر و محرومیت توسط خود افراد، ارائه شده است. مسلماً برنامه‌های فردی به تنهایی برای از بین

بردن فقر و محرومیت، کافی نیست چه اینکه بسیاری از عوامل این پدیده عوامل اجتماعی هستند و باید در برنامه‌های کلان فقرزدایی مورد توجه قرار گیرند. در ادامه به راههای اجتماعی و عمومی فقرزدایی از دیدگاه اسلام می‌پردازیم.

۲-۳-۲) سیاستهای حمایتی اجتماعی

این سیاست‌ها که برخلاف سیاستهای حمایتی فردی، به مواردی مربوط می‌شود که انسانها به رغم تلاش و کوشش، نمی‌توانند حداقل نیازهای مادی خود را تامین نمایند و فقر و نیازمندی بر آنها سایه افکنده است، دارای ابعاد مختلف و گستردگی خاصی هستند و در آموزه‌های قرآنی با تعابیر مختلفی همچون انفاق، احسان، صدقه، برّ، زکات و مانند آن از آنها نام برده شده است.^۱ مجموعه سیاستهای حمایتی مادی و اقتصادی در اسلام براساس دو اصل مهم تعاون و مشارکت عمومی، و مسئولیت دولت استوار گردیده است. بخش اول مسئولیت‌هایی است که افراد جامعه بر عهده دارند و بخش دوم مسئولیت‌هایی است که دولت برعهده دارد. در ادامه سیاستهای حمایتی به این دو اصل می‌پردازیم.

۲-۳-۲-۱) اصل تعاون و همیاری اجتماعی (تکافل اجتماعی)

قبل از پرداختن به این اصل بسیار مهم و گسترده که مجموع سیاستهای حمایتی مادی اسلام را در برمی‌گیرد، لازم است به زیربنای اقتصادی و معرفتی این اصل اشاره شود، چه، اینکه بدون توجه به این اصل زیربنائی، شناخت و اجرای این سیاستهای حمایتی با مشکل روبه‌رو خواهد شد. براساس جهان بینی اسلامی مالکیت حقیقی آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست از آن خداوند است. **الم تعلم ان الله له ملک السماوات و الارض**، آیا نمی‌دانی که مالکیت آسمانها و زمین از آن خداست (بقره/۱۰۷، آل عمراه/۱۸۹، مائده/۱۷). انسانها و آنچه

۱- هر یک از این تعابیر بعد خاصی از این سیاستهای حمایتی را تبیین می‌کند. مثلاً انفاق از نظر لغوی به معنای پرکردن گودی آمده است و استعمال آن در مورد سیاستهای حمایتی مادی حاکی از این است که این سیاستها می‌توانند خلاها و ناهماهنگی‌های اقتصادی موجود در جامعه را از بین ببرند و نوعی تعادل و هم سطحی در میان افراد جامعه ایجاد نمایند.

به صورت تکوینی و تشریحی در اختیار آنهاست از این اصل کلی خارج نیستند و همه به او تعلق دارند. بنابراین مالکیت انسانها نسبت به آنچه از راه مشروع به دست می‌آورند مالکیتی است اعتباری و محدود و مقید به آنچه که مالک حقیقی اموال، (خداوند) تعیین نموده است. به عبارت دیگر مال از دیدگاه اسلام اصالتاً از آن خداوند است و خداوند آن را بر اساس مصالح بندگان و به منظور امتحان آنها در میانشان تقسیم نموده (زخرف/۳۲)، و نزد آنها به امانت گذاشته است. بنابراین باید به عنوان یک امانتدار و در حدود امانت در آن تصرف نمایند و هرگونه تصرفی خارج از این حدود، ممنوع و قابل مؤاخذه می‌باشد. قرآن و روایات، بر این اصل دلالت می‌کنند. از دیدگاه قرآن، انسانها نماینده و جانشین خداوند در اموال و دارائیهای خویش هستند. **وانفقوا مما جعلکم مستخلفین فیہ، انفاق کنید از آنچه خداوند شما را نماینده خود در آن قرار داده است (حدید/۷). یا ایها الذین انفقوا مما رزقناکم، ای مومنین از آنچه به شما روزی دادیم انفاق نمائید (بقره/۲۵۴، بقره/۳، منافقون/۱۰).**

امام صادق (ع) فرموده است: مال از آن خداست که آن را به امانت به بندگان خود سپرده و به ایشان فرمان داده است تا با میانه‌روی از آن بخورند و با میانه‌روی از آن بیاشامند و با میانه‌روی از آن بپوشند و با میانه‌روی از آن برای ازدواج هزینه کنند و با میانه‌روی از آن وسیله سواری بخرند و آنچه را باقی می‌ماند به مؤمنان فقیر و نیازمند بدهند. (نوری، چاپ دوم، ۱۴۱۱ هـ ق، ج ۱۳، ص ۵۲، ح ۹، حرالعالمی، ۱۴۰۳ هـ ق، ج ۱۱، ص ۵۰۱). براساس این اصل، ثروتمندان امانت دار اموالی هستند که خداوند در اختیار آنها قرار داده است و باید مطابق آنچه به آنها دستور داده شده است در آن تصرف نمایند. براساس آموزه‌های دینی، انسانها مجازند برای نیازهای خود به دور از اسراف و تبذیر و در حد متعارف هزینه کنند و مازاد بر آن را برای رفع فقر و محرومیت نیازمندان به کارگیرند. به این ترتیب خداوند هم اغنیاء را مورد امتحان قرار می‌دهد و هم زمینه تأمین معیشت فقیران جامعه را فراهم خواهد نمود. اسلام، سیاستهای حمایتی خود را براساس چنین

بینشی استوار ساخته است و آنها را در قالب دستورالعملهایی ارائه نموده است که به آنها اشاره می‌کنیم.

الف) انفاقهای واجب

بخشی از مسئولیتهای ثروتمندان، در برابر فقیران جامعه، به صورت احکامی الزام‌آور تشریح گردیده است که عبارتند از زکات، خمس و نفقه افراد واجب‌النفقه. زکات، مالیاتی است که بر تولیدکنندگان کالاهای کشاورزی و دامپروری و نیز طلا و نقره که در گذشته پول رایج بوده است واجب است و موارد مصرف آن عمدتاً فقیران و نیازمندان جامعه هستند. خمس نیز، مالیاتی است که بر پس انداز سالیانه افراد تعلق می‌گیرد و چنانچه در طول یک سال مازاد بر مخارج زندگی، چیزی باقی بماند یک پنجم آن به فقیران نیازمند و نیز سایر مصالح مسلمین، تعلق می‌گیرد. این نوع مالیات، باید در اختیار دولت قرار گیرد تا با شناسایی فقیران، به صورت برنامه‌ریزی شده به رفع فقر و محرومیت آنان بپردازد. البته دولت می‌تواند علاوه بر این دو مورد و در صورت کافی نبودن، مالیاتهای دیگری را بر اموال و دارائیهای مردم وضع نماید و با جمع‌آوری و هزینه کردن آنها به رفع فقر و کاهش فاصله‌های طبقاتی بپردازد. علاوه بر این موارد که مسئولیت اجرایی آن به عهده دولت می‌باشد و منابع مالی آن را مردم تأمین می‌کنند، تأمین هزینه افراد واجب‌النفقه نیز یک تکلیف الزام‌آور مالی است که مسئولیت تأمین منابع و اجرای آن در ابتدا به عهده خود افرادی است که این مسئولیت متوجه آنها می‌باشد. اما چنانچه این افراد با وجود توانایی، به مسئولیت خود عمل نمایند می‌توان آنها را از نظر حقوقی الزام به انجام وظیفه نمود. این وظیفه علاوه بر وظیفه فرد نسبت به تأمین هزینه زندگی همسر، به صورت متقابل در میان پدران و فرزندان وجود دارد بدین صورت که پدر نسبت به فرزندان و فرزندان فرزندان خود تا وقتی که نیازمند هستند موظف به تأمین امکانات زندگی آنان به صورت متعارف می‌باشد و متقابلاً فرزندان نیز در صورت نیاز والدین و والدین والدین خود موظف به تأمین امکانات زندگی آنان می‌باشند. این وظیفه از طرفی مشروط به فقیر بودن افراد واجب

النفقه (به استثنای زوجه) و از طرف دیگر مشروط به توانایی بالفعل یا بالقوه کسی که نفقه بر او واجب است می‌باشد (امام خمینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۸۹-۲۸۵).

ب) انفاقهای مستحب

فرهنگ انفاق به انفاقهای واجب محدود نمی‌شود و بخش عظیمی از انفاقها، مستحب می‌باشند. با توجه به اینکه ممکن است انفاقهای واجب به درستی و به صورت کامل پرداخت نشود و کسانی از پرداخت آن خودداری کنند و در نتیجه، فقیران بسیاری در جامعه باقی بمانند اسلام تأکید فراوانی بر انفاقهای مستحب نموده است. این انفاقها گرچه به صورت داوطلبانه انجام می‌شود اما می‌تواند بخش زیادی از منابع فقرزدایی را تأمین نماید و چنانچه این منابع به صورت سازماندهی شده، جمع آوری و به درستی مصرف شود، تعداد زیادی از فقیران جامعه را تأمین خواهد نمود.

ج) کفارات مالی

در اسلام، برای انجام بعضی از کارهای حرام و ترک برخی از واجبات، جریمه نقدی تعیین شده است و بر افراد متخلف واجب است این جریمه را پرداخت نمایند، هدف از وضع چنین جریمه‌هایی، علاوه بر تنبیه متخلف، تأمین بخشی از نیازهای فقیران جامعه است. این جریمه‌ها مانند کفاره روزه، نذر، قسم و عهد و کفارات مربوط به اعمال حج، امروزه به صورت پراکنده و غیرسازماندهی شده در اختیار فقیران قرار می‌گیرد. در قرآن کریم و روایات، موارد این کفارات و مقدار آنها بیان شده است.

د) وصایا

بسیاری از مؤمنان، برای اینکه پس از مرگ نیز صدقه جاریه داشته باشند وصیت می‌کنند که بخشی از دارائیهای آنها برای انجام امور خیریه از جمله رسیدگی به فقیران، ایتم و نیازمندان مصرف شود این وصیت‌ها که در ثلث اموال متوفی از طرف شرع تنفیذ شده است می‌تواند برخی از منابع فقرزدایی را تأمین نماید. در قرآن، وصیت نمودن به ویژه برای والدین و نزدیکان الزامی دانسته شده است (بقره/۱۸۰).

هـ) نذورات

مومنان براساس اعتقادات خود، برای رسیدن به خواسته‌های مادی یا معنوی خود انجام کارهایی را بر خود واجب می‌کنند که اصطلاحاً به آن نذر گفته می‌شود. بخش عمده این نذرها، جنبه مالی دارد که می‌تواند در اختیار فقیران جامعه قرار گیرد. در قرآن کریم، نذر در کنار نفقات مستحب ذکر گردیده و وفای به نذر، مورد تأکید قرار گرفته است (بقره/۲۷۰، انسان/۷).

و) قرض الحسنه

این نهاد خیریه که در اسلام برآن بسیار تأکید شده و ارزش معنوی آن حتی از صدقه بالاتر دانسته شده است، یکی از راههای ارزشمند برای رفع نیازمندی فقیران جامعه است، بدون اینکه کوچکترین تحقیری متوجه آنها باشد. این روش، ضمن احترام به شخصیت فقیران جامعه زمینه کار و فعالیت اقتصادی را نیز برای آنها فراهم می‌نماید و آنان را به تلاش و کوشش تشویق و ترغیب می‌نماید. در قرآن کریم قرض الحسنه، قرض دادن به خداوند و موجب افزایش مال دانسته شده است (بقره/۲۴۵). پیامبر اکرم (ص) فرمودند: کسی که به مؤمنی قرض دهد تا مدتی که او توان ادای آن را پیدا نماید، مال او به عنوان زکات (صدقه) محسوب می‌شود و قرض دهنده تا هنگام ادای قرض مشمول درود ملائکه خواهد بود (حرالعاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۳، ص ۸۸، ج ۳). علاوه بر این موارد برخی از عقود اسلامی نیز در راستای تأمین نیازمندیهای فقیران جامعه به ویژه تأمین سرمایه برای کار و فعالیت اقتصادی آنها در نظر گرفته شده است. عقد اجاره، مضاربه، مساقات، مزارعه و شرکت از این قبیل هستند. عاریه نیز از جمله عقود است که برای تأمین بخشی از نیازمندیهای فقیران جامعه در نظر گرفته شده است. مجموعه این راهکارها یکی از سیاستهای حمایتی مادی اسلام، یعنی تعاون و همیاری را تشکیل می‌دهند که در صورت تحقق آن هیچ فقیری در جامعه باقی نخواهد ماند و جامعه آرمانی اسلام از نظر اقتصادی تحقق خواهد یافت. **وتعاونوا علی البر و التقوی**، براساس نیکی و تقوی همدیگر را یاری کنید (مائده/۲).

۲-۲-۳ اصل مسئولیت دولت

از دیدگاه اقتصادی، امروزه رفع فقر و محرومیت بدون دخالت دولت امکانپذیر نیست و اقدامات و فعالیتهای فردی و پراکنده به هیچ وجه نمی‌تواند مشکل فقر را به صورت ریشه‌ای حل نماید، گرچه به صورت موقت و موردی ممکن است مفید باشد. به همین دلیل در کلیه کشورها اعم از توسعه یافته، در حال توسعه و عقب افتاده، بخش زیادی از سیاستهای اقتصادی، سیاستهای فقرزدایی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه می‌باشد. اسلام که در نظام اجتماعی خود جایگاه خاصی برای حکومت در نظر گرفته است، مسئولیت مستقیم فقرزدایی را متوجه حکومت می‌داند و برای این منظور منابع مالی ویژه‌ای را در اختیار حکومت قرار داده است. از دیدگاه قرآن، فلسفه ارسال پیامبران و کتابهای آسمانی، اقامه قسط و عدل است و خداوند بدین منظور علاوه بر ارائه نشانه‌های روشن (بینات) و فرستادن کتاب (قانون) و میزان (ابزار تشخیص قسط و عدل)، آهن را به عنوان سمبل ابزارهای دفاعی به منظور پاسداری از آن آفریده است (حدید، ۲۵).

بدیهی است که تحقق چنین هدفی در جامعه، بدون برنامه ریزی کلان و در اختیار داشتن قدرت و منابع مالی و ابزارهای دفاعی امکان‌پذیر نیست. بنابراین انبیاء الهی برای تحقق بخشیدن به عدل و قسط در جامعه، راهی جز تشکیل حکومت نداشته‌اند و حکومت را نیز صرفاً به منظور رسیدن به این هدف می‌خواسته‌اند. دولت اسلامی باید با به کارگیری منابع مالی که در اختیار دارد مسئولیت سنگین فقرزدایی و رفع محرومیت را به انجام رساند و اجازه ندهد که فاصله‌های طبقاتی در جامعه پدید آید. در این زمینه، مهمترین وظایف دولت اسلامی عبارتند از: تامین اجتماعی، توزیع عادلانه فرصت و ثروت، گسترش عدالت اجتماعی، کارآفرینی و مبارزه با بیکاری، نظارت بر بازار و کنترل قیمتها، مبارزه با احتکار، انحصار، رباخواری، اختلاس و هرگونه فساد مالی کارگزاران (اکبر اسدعلیزاده، ۱۳۸۱، ص ۱۷۸).

- آذربایجانی، مسعود و دیگران (۱۳۸۲)، روان شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، تهران، سازمان سمت و قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. (۱۳۷۹)، آسیبها، انحرافات اجتماعی و فقر، (مجموعه مقالات فقر در ایران)، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران.
- انجمن جامعه‌شناسی ایران. (۱۳۸۳)، آسیب‌های اجتماعی ایران، انتشارات آگاه، تهران.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی. (۱۳۶۶)، غررالحکم و درالکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ابن ابی الحدید. (۱۳۷۸)، شرح نهج البلاغه، بیروت، دارالای الکتب العربیه.
- القرضاوی، یوسف. (۱۴۱۵)، مشکله الفقر و کیف عالجه‌ها الاسلام، بیروت، مؤسسه الرساله.
- اسدعلیزاده، اکبر. (۱۳۸۱)، سیاستهای فقرزدائی در کلام معصومین، قم، مرکز پژوهشهای اسلامی صداوسیما.
- التمیمی مغربی، قاضی ابی طیفه النعمان بن محمد. (۱۴۱۱)، دعائم الاسلام، بیروت، دارالاضواء.
- بستانی، محمود. (۱۳۷۲)، اسلام و روان شناسی، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ترجمه محمود هوشم.
- بهشتی، محمود. (۱۳۷۸)، سلامت تن و روان، قم، پارسایان.
- پژویان، جمشید. (۱۳۷۳)، سیاستهای حمایتی از اقشار آسیب پذیر، تهران، معاونت امور اقتصادی.
- سلیمی، علی و محمد داوری. (۱۳۸۵)، جامعه شناسی کجروی، ویراست دوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم.
- ستوده، هدایت‌الله و دیگران. (۱۳۷۶)، آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات)، ج ۴، مؤسسه انتشارات آوای نور، تهران.
- شادی طلب، ژاله، صدیق سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۳)، آسیب شناسی اجتماعی، جامعه شناسی انحرافات اجتماعی، تهران انتشارات؟
- ری شهری، محمد. (۱۳۶۲)، میزان الحکمه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

- دیماتو، ام. راین. (۱۳۷۸)، روان شناسی سلامت، تهران، سازمان سمت، ترجمه محمد کاویانی و دیگران.
- خمینی، روح الله. (۱۳۷۲)، *تحریر الوسیله*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- حامد مقدم، احمد. (۱۳۶۸)، *پژوهشی در نظام حمایتی اسلام*، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- حسینی، هادی. (۱۳۸۱)، *فقر و توسعه در منابع دینی*، قم، بوستان کتاب.
- فراهانی فرد، سعید. (۱۳۷۸)، *نگاهی به فقر و فقرزدایی از دیدگاه اسلام*، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- فنجرى، محمد شوقى. (۱۹۹۰م)، *الاسلام و الضمان الاجتماعى*، مصر الهیئه المصریه العامه للكتاب.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۲)، *تفسیر نور*، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، تهران.
- نجاریان، بهمن. (۱۳۷۹)، *پیامدهای روانشناختی فاجعه‌ها*، تهران، نشر مسیر.
- نوری طبرسی، حسین. (۱۴۱۱ه. ق)، *مستدرک الوسائل*، بیروت، موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- نجاتی، عثمان. (۱۳۶۷)، *قرآن و روان شناسی*، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ترجمه عباس عرب.
- مجموعه مقالات، *اولین همایش بین المللی دین در بهداشت روان*، (۱۳۸۲)، قم، دفتر نشر معارف.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۷۹ ه. ق)، *بحارالانوار*، تهران، المكتبه الاسلامیه.
- محوری، مالک (۱۳۶۵)، *تأمین اجتماعی در اسلام*، تهران، مسجد الغدیر، تهران.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (بی تا)، *اصول کافی*، قم، موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور، ترجمه سیدجواد مصطفوی.
- کی نیا، مهدی. (۱۳۶۹)، *مبانی جرم شناسی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- گسن، ریمنوند. (۱۳۷۰)، *مقدمه‌ای بر جرم شناسی*، تهران، ترجمه مهدی کی نیا.
- عاملی، محمدبن حسن. (۱۴۰۳ ه. ق)، *وسائل الشیعه*، تهران، مكتبه الاسلامیه.
- steven, P.Lab, 1992. crime Prevention, Anderson Publishing Co.